

هشدارهای موازی - شماره سه

قدرت بخشی به پیام‌های نبوی: فرایند آزمون ترتیبی فرشتگان مکاشفه

Jeff Pippenger

2023-08-08

آخرین مقاله را با این جمع‌بندی به پایان رساندیم که هر سه فرشته مکاشفه فصل چهاردهم پیامی در دست دارند. فرشته دوم و سوم چنین معرفی شده‌اند که هنگام فرود آمدن با پیام‌شان، یک "طومار" همراه دارند. هر فرشته نماینده پیامی است و رسیدن هر پیام اثری بر جای می‌گذارد. فرشته نخست در سال 1798 رسید. آن پیام مهرگشایی شد و افزایش معرفت نسبت به داوری قریب‌الوقوع پدید آمد. آن افزایش معرفت دو دسته پرستندگان را پدید آورد. وقتی فرشته دوم رسید، پیام سقوط پروتستان‌ها مهرگشایی شد و افزایش معرفت پدید آمد و دو دسته از دوشیزگان پدید آمدند. وقتی فرشته سوم در 22 اکتبر 1844 رسید، پیام نیمه‌شب در 22 اکتبر 1844 رسید، این پیام در اجتماع اردوگاهی اگزیتر مهرگشایی شد و افزایش معرفت پدید آمد و هر آنچه نمایندگی می‌کند مهرگشایی شد و افزایش معرفت پدید آمد و دو دسته پدید آمدند.

ویژگی دیگری که در مورد فرشتگان دیده می‌شود، به قدرت یافتن پیام‌های فرشته مربوط است. همان‌گونه که مقاله پیشین نشان داد، پیام فرشته دوم به وسیله پیام ندای نیمه‌شب قدرت یافت، اما ندای نیمه‌شب توسط یک فرشته واحد نمایندگی نمی‌شود، بلکه توسط فرشتگان بسیاری نمایندگی می‌شود. تاریخی که مربوط به فرشته دوم و ندای نیمه‌شب بود نشان می‌دهد که پیام فرشته دوم زمانی قدرت یافت که ندای نیمه‌شب به آن پیوست. در همان کتاب به ما گفته شده است:

دیدم فرشتگانی با شتاب به این سو و آن سو در آسمان می‌رفتند. آنان به زمین فرود می‌آمدند و باز به آسمان صعود می‌کردند و برای تحقق رویدادی مهم تدارک می‌دیدند. سپس فرشته نیرومند دیگری را دیدم که مأمور شد به زمین فرود آید و صدای خود را با فرشته سوم متحد کند و به پیام او قدرت و نیرو ببخشد. قدرت و جلال عظیمی به آن فرشته عطا شد و چون فرود می‌آمد، زمین از جلال او روشن می‌شد. نوری که پیشاپیش این فرشته می‌رفت و پس از او می‌آمد، همه‌جا نفوذ می‌کرد، در حالی که او با آوازی نیرومند و رسا فریاد می‌زد و می‌گفت: «بابل عظیم سقوط کرده است، سقوط کرده است، و مسکن شیاطین شده است، و دژ هر روح پلید، و قفس هر پرنده ناپاک و نفرت‌انگیز.» پیام سقوط بابل، چنان‌که به وسیله فرشته دوم داده شده بود، بار دیگر اعلام می‌شود، با افزودن آن فسادهایی که از سال ۱۸۴۴ به کلیساها راه یافته‌اند. کار این فرشته در وقت مناسب می‌رسد و با کار بزرگ پایانی پیام فرشته سوم پیوند می‌خورد، هنگامی که آن پیام به فریادی بلند بدل می‌شود. و قوم خدا در همه‌جا آماده و مجهز می‌شوند تا در ساعت آزمایش که به زودی با آن روبه‌رو خواهند شد، بایستند. دیدم نور عظیمی بر آنان قرار گرفته است، و آنان در آن پیام متحد شدند و بی‌باکانه با قدرتی عظیم پیام فرشته سوم را اعلام کردند.

فرشتگانی فرستاده شدند تا فرشته نیرومندی را که از آسمان آمده بود یاری کنند، و من صداهایی شنیدم که گویی از همه‌جا طنین می‌انداخت: «از او بیرون آید، ای قوم من، تا در گناهانش شریک نشوید و از بلاهایش چیزی دریافت نکنید؛ زیرا گناهانش به آسمان رسیده است و خدا شرارت‌های او را به یاد آورده است.» این پیام به نظر می‌رسید افزوده‌ای بر پیام سوم باشد و با آن پیوست، همان‌گونه که فریاد نیمه‌شب در سال ۱۸۴۴ به پیام فرشته دوم پیوست. جلال خدا بر مقدسان شکیبا و منتظر قرار گرفت، و آنان بی‌هراس آخرین هشدار جدی را دادند، سقوط بابل را اعلام کردند و از قوم خدا خواستند از او بیرون آیند تا از سرنوشت هولناک او بگریزند. موهبت‌های

فریاد نیمه شب به فرشته دوم پیوست، و فرشته مکاشفه هجده به فرشته سوم می پیوندد؛ و هنگامی که به فرشته سوم می پیوندد، پیوستن فریاد نیمه شب و فرشته دوم را در آغاز ادونتیسیم تکرار می کند. بر پایه دو شاهد، یعنی فرشته دوم و سوم، پیام هر فرشته ای یک پیام ثانویه دارد که به آن قدرت می بخشد. این دو شاهد تعلیم می دهند که وقتی پیام فرشته اول در تاریخ رسید، باید پس از آن زمانی فرا می رسد که آن پیام به وسیله پیامی ثانویه قدرت یابد. این، البته، در مورد فرشته اول نیز صادق بود. در بند نخست بخش طولانی ای که همین حالا بیان کردیم، خواهر وایت همان ویژگی هایی را برای فرشته اول برمی شمارد که یوحنا برای فرشته مکاشفه هجده قائل است، آنگاه که می گوید: «به من گفته شد که مأموریت او این بود که زمین را با جلال خود روشن سازد و مردم را درباره خشم قریب الوقوع خدا هشدار دهد.» در آن بخش آشکار است که او به فرشته اول اشاره می کند.

پیام فرشته اول در سال ۱۷۹۸ ظاهر شد، و سپس در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، هنگامی که سلطه عثمانی پایان یافت، قدرت یافت. در آن هنگام فرشته نیرومند باب ده مکاشفه از آسمان فرود آمد و یک پای خود را بر خشکی و یکی را بر دریا نهاد. او نمایانگر قدرت یافتن فرشته اول است، و همین امر کار فرشته اول را با کار فرشته باب هجده مکاشفه یکی می سازد. هر دو می بایست زمین را با جلال خود روشن سازند، اما فرشته باب هجده مکاشفه به فرشته سوم می پیوندد؛ همان گونه که فریاد نیمه شب به فرشته دوم پیوست و همان گونه که فرشته ای که در باب ده مکاشفه فرود آمد به فرشته اول پیوست.

بنابراین، هنگامی که فرشته نخستین رسید، مهر و موم پیامی برداشته شد که دو گروه از پرستندگان پدید آورد. وقتی پیام فرشته نخستین به وسیله فرشته فصل دهم مکاشفه قدرت یافت، او در دست خود کتابچه ای داشت که به یوحنا فرمان داد آن را بخورد، و این نشان می داد که او پیامی آورده، مهر آن را گشوده و آن پیام دو گروه از پرستندگان پدید آورده است. هنگامی که فرشته دوم، فریاد نیمه شب و فرشته سوم رسیدند، مهر و موم پیامی برداشته شد که آزمود و دو گروه از پرستندگان پدید آورد.

بخش مورد بحث ما با مقایسه تاریخ مسیح با تاریخ پیروان میلر تأکید می کند که فرایند آزمون پی در پی که در تاریخ پیروان میلر رخ داد، در روزگار مسیح نیز رخ داد؛ زمانی که پایان اسرائیل باستانی به شمار می آمد. اگر چنین فرایند آزمون پی در پی در آغاز اسرائیل روحانی و در پایان اسرائیل باستانی رخ داده باشد، آنگاه در پایان اسرائیل روحانی نیز فرایند آزمون پی در پی ای وجود خواهد داشت، چنان که در آغاز اسرائیل باستانی نیز بود.

در تاریخ میلری ها، این امر نمایانگر پنج بازگشایی مهرها است که از ۱۷۹۸ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ دو دسته پرستش کننده را آزمود و پدید آورد. این بخش به روشنی می آموزد که اگر در آزمونی مردود شوید، آزمون بعدی را نخواهید گذراند، زیرا حتی تلاش هم نخواهید کرد. همچنین روشن است که در زمان مسیح، فرایند آزمون به آنجا می انجامد که قوم عهد برگزیده پیشین، در خصوص طرح نجات، در تاریکی کامل قرار می گیرد. دانیال و یوحنا نماینده کسانی اند که به صدای پشت سر خود گوش می دهند؛ کسانی که از فرایندی تدریجی آزمون عبور کردند که مستلزم بررسی فردی هر حقیقت تازه ای بود که مهر از آن برداشته می شد.

کتاب های دانیال و مکاشفه یک کتاب اند، و دانیال و یوحنا دو شاهد آن کتاب واحد هستند. یک شاهد آغاز کتاب است و شاهد دیگر پایان آن. هر دو شاهد به طور نمادین مرگ و رستاخیز را تجربه کردند؛ یکی به دست پادشاهی ماد و پارس آزار دید (که نماد ایالات متحده است) و دیگری به دست روم آزار دید (که نماد نظام پاپی است). یوحنا به این دلیل تحت آزار است که سبت را رعایت می کند، همان گونه که دانیال به سبب امتناع از تغییر شیوه های عبادت خود مورد آزار قرار گرفت. آن ها با هم

نماینده کسانی در پایان جهان اند که به خاطر امتناع از پذیرفتن عبادت یکشنبه به جای سبت روز هفتم آزار می بینند.

مردمی که دانیال و یوحنا نمایندگی می کنند، کسانی بوده اند یا خواهند بود که مهر و موم شده اند، زیرا هنگامی که دانیال به سبب نافرمانی از «فرمان» پادشاه در لانه شیران افکنده شد، پادشاه سنگ را مهر و موم کرد تا مبادا مقصود تغییر کند. دانیال برای ابد مهر و موم شد، زیرا مطابق قوانین مادها و پارس ها، فرمان پادشاه و نیز اعتبار مهر او قابل تغییر نبود. مهر پادشاه بر سنگ نهاده شد و در بسته شد. در هنگام قانون یکشنبه، در بسته می شود و هیچ انسانی نمی تواند آن در را بگشاید، همان گونه که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ در بسته شد. این نمونه ای ساده بود برای نشان دادن اینکه نه تنها باید به رویدادهای نبوی مطرح شده در یک نبوت توجه کرد، بلکه اهمیت به کار گرفتن شرایط پیامبر را نیز هنگامی که او در داستان به تصویر کشیده می شود، در نظر گرفت.

با این حال، این همچنین نمونه ای است از قدرت در نظر گرفتن آغاز (کتاب دانیال) همراه با پایان (کتاب مکاشفه) در کنار هم، به منزله دو شاهد همان نبوت؛ زیرا برای اثبات یک حقیقت کتاب مقدسی، وجود دو شاهد لازم است. هم رویدادهای پیشگویی شده و هم تصویر فعالیت های پیامبران در ارتباط با آن نبوت، هر دو الهام شده اند.

تمامی کتاب مقدس از سوی خدا الهام شده است و برای تعلیم، برای توبیخ، برای اصلاح و برای تربیت در پارسایی سودمند است؛ تا مرد خدا کامل باشد و برای هر عمل نیکو به طور کامل مجهز گردد. دوم تیموتائوس ۱:۱۶، ۳، ۱۷.

اگر رویدادهای پیشگویی شده کتاب مقدس پایان جهان را به تصویر می کشند، آنگاه آنچه از پیامبر و محیط پیامونش، هنگام دریافت آن پیشگویی و شهادت دادن به آن، به تصویر کشیده می شود نیز تصویری از پایان جهان است. بنابراین، هرگاه محیط و فعالیت های یک پیامبر به گونه ای نبوی به تصویر درآید، آن پیامبر تمثیلی از قوم خدا در پایان جهان است. با این درک، وقتی خط پیشگویی «الیای ملاکی» را با خطوط مکاشفه باب های چهارده و هجده کنار هم می آوریم، همه از تاریخ پیام هشدار نهایی شهادت می دهند، اما گواهی شان دوگانه است.

پیام شامل رویدادهای پیش بینی شده ای است که نسبت به قوم خدا بیرونی اند و شهادت ثانویه شامل تجربه نبی هنگام دریافت و اعلام پیام می شود. مفهوم دو خط نبوی که نمایانگر جنبه بیرونی و درونی همان تاریخ اند، توسط پیشگامان ادونتیسیم شناخته و در اسناد عمومی ثبت شد. به گمان من، نمونه کلاسیک این کاربرد نزد پیشگامان زمانی است که آنان تشخیص می دهند که هفت کلیسای کتاب مکاشفه و هفت مهر کتاب مکاشفه تاریخ های موازی اند که تاریخ درونی و بیرونی کلیسا را مشخص می کنند. مهرها نمایانگر تاریخ بیرونی اند و کلیساها نمایانگر تاریخ درونی.

پیام ایلیا در کتاب ملاکی و فصل های چهارده و هجده مکاشفه همان پیام هشدار نهایی را معرفی می کنند که در فصل اول مکاشفه نیز «مکاشفه عیسی مسیح» نامیده شده است. در فصل اول، خدا پدر پیام را به مسیح داد، سپس او آن را به جبرئیل سپرد، و جبرئیل آن را به یوحنا داد و یوحنا نیز آن را به کلیساها فرستاد. پیام ایلیا، و همچنین پیام هایی که در فصل های یک، چهارده و هجده مکاشفه نمایانده شده اند، همگی همان یک پیام اند.

و ارواح انبیا مطیع انبیا هستند. زیرا خدا خدای آشفتنگی نیست، بلکه خدای سلامتی است، چنان که در همه کلیساهای مقدسان است. اول قرنتیان ۱۴:۳۲، ۳۳.

همیشه همان پیام است، زیرا «پیامبران تابع پیامبران اند.» واژه ای که در آن آیات به «تابع» ترجمه شده، به معنای «زیر فرمان بردن؛ در کاربرد بازتابی، اطاعت کردن: زیر اطاعت بودن (فرمانبردار)،

زیر دست قرار دادن، مطیع ساختن نسبت به، (تابع بودن یا تابع کردن) (نسبت به/برای)، در اطاعت (نسبت به/زیر) بودن (یا قرار دادن)، خود را تسلیم کسی کردن» است. همه پیامبران با یکدیگر موافق‌اند و مطیع یکدیگرند، وگرنه پیامی که می‌دادند موجب سردرگمی می‌شد.

تمام تمثیل‌های نبوی مربوط به پیام هشدار نهایی، یک پیام واحد را بازمی‌نمایانند. این تدبیر خداوند است که کسانی که در مثل ده باکره «خردمند» شمرده می‌شوند — و نیز «خردمندی» خوانده می‌شوند که «می‌فهمند» «افزایش دانش» را، آنگاه که کتاب دانیال مهرشکسته می‌شود — به اراده خداوند، همان «خردمندان» پیام ویژه را هنگامی که مهرش گشوده می‌شود، بازشناسند. این بازشناسی از طریق به‌کار بستن روش‌شناسی مطالعه کتاب مقدس که به‌طور مشخص در خود کتاب مقدس معرفی شده است، تحقق می‌یابد. این روش، مطابق با اشعیا باب بیست‌وهشت، از راه کنار هم نهادن و موازی‌سازی خطوط گوناگون نبوی که به یک موضوع کتاب مقدسی می‌پردازند، برای تعیین رویدادهای درست نبوی به کار گرفته می‌شود.

از شما شکیبایی می‌طلبیم، زیرا این مقاله را در همین‌جا به پایان می‌بریم و این بحث‌ها را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.